

پروفسور دلی کاستاپولوس

مکان: یونان - آتن / تاریخ: ۱۳۷۴/۱/۲۴

موضوع: چگونگی پیشرفت اسلام، وحدت ادیان، جبر و اختیار

پروفسور دلی کاستاپولوس ضمن معرفی آثار خود، کتابی را با عنوان دیوار کرم‌لین نشان داد و گفت: من در سال ۱۹۸۶ به سفیر شوروی در آتن مراجعه نمودم و خواستم یک بخش از این کتاب را به مترجمین خود بدهد و از آن‌ها بخواهد آن را به زبان روسی ترجمه نموده، برای آقای گورباچف بفرستد. او با گشاده‌رویی از این پیشنهاد استقبال کرد و این توصیه را عملی نمود.

من در این قسمت از کتاب خود نوشته بودم: با توجه به علامت‌هایی که از شوروی در زمینه پروسترویکا دریافت می‌کنیم، فکر می‌کنم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه و بی‌اعتنایی دولت‌مردان نسبت به وضع مادی و معنوی مردم، وقوع یک حادثه شگفت‌انگیز در سیستم سیاسی شوروی محتمل باشد. اگر دولت در این زمینه فکری نکند، از آزادی پیدا شده و نیز از فقر و تهیدستی جامعه سوءاستفاده خواهند نمود و حیات کشور را به مخاطره خواهند انداخت. موضوع دیگر این بود که: نقش مذهب و وجدان را به طور اصولی باید در نظر بگیرید و راه برای ظهور مجدد آن در حیات کشور باز شود. حدود چند ماه بعد، سفارت شوروی طی دعوت‌نامه‌ای که برای من ارسال نموده بود، از من خواست سفری به مسکو بنمایم. در ضمن، خلاصه‌ای از کلیه کتاب‌های مرا توسط مأموران خود که به عنوان رایزنی فرهنگی در آتن کار می‌کردند، تهیه و به مسکو ارسال نمودند.

● جعفری: ضمن قدردانی و اظهار خوشوقتی از ملاقات با شما و هم‌چنین تمجید از پشتکاری که برای تألیف این همه کتب فلسفی و کارهای سترگی که انجام داده‌اید، وظیفه و رسالت ما واقعاً باید در درجه اول، پیدا کردن راهی برای نجات انسان امروز از مشکلات باشد.

شما در ملاقات خود در تهران به نکته‌ای توجه کردید که حقیقتاً برای من بسیار قابل تأمل بود و آن این‌که: بعد از بحث و بررسی اینجانب درباره همزیستی منطقی ادیان بزرگ دنیا (اسلام، یهودیت و مسیحیت) که مورد استقبال همه دوستان ارتدوکس و اساتید دانشگاه آتن واقع شد، شما به هنگام رفتن گفتید: آیا اطمینان دارید ما بتوانیم به این افتخار برسیم؟

اکنون آیا شما در کتاب‌هایی که معرفی کردید و به همراه آوردید، بحثی در این موضوع کرده‌اید؟

آقای پروفسور کاستاپولوس این مطلب را بدون پاسخ گذاشت و سپس به معرفی چند عنوان دیگر از کتاب‌هایش به

شرح زیر پرداخت:

۱- عرفان ارتدوکس، برنده جایزه آکادمی علوم.

۲- روشنفکری یونانی و فلسفه ارتدوکس. در این کتاب، من ۵۵۹۰ پاورقی زده و اثبات کرده‌ام که در شناخت واقعیات، فلسفه ارتدوکس از فیلسوفان یونان استفاده کرده و از فلسفه یونانی برخوردار بوده است.

۳- اعتقاد ارتدوکسی که به سفارش کلیسای ارتدوکس یونان تألیف نمودم.

۴- مادونا و شمشیر اسلام، کتابی است که اکنون ما بلیم آن را به رشته تحریر درآوریم. این کتاب در مورد قساوت عثمانیه در اروپاست.

یک مجسمه سنگی سیاه از حضرت مریم عذرا علیها السلام در لهستان وجود دارد که بر روی آن خراشی از شمشیر سربازان عثمانی نقش بسته است. من برای تألیف کتاب جدید خودم، قصد دارم از این سمبل برای نشان دادن قساوت عثمانیان در مقابل مسیحیت استفاده نمایم.

● جعفری: همه ما می‌دانیم که اسلام به خاطر استحکام منطق و عقاید معقول و احکام ساده و قابل عملی که داشت، پیش رفته است. البته اقوام و مللی که نسبت به اسلام و مسلمین خشونت می‌نمودند، اسلام مقابله به مثل می‌کرد. اما شمشیر تهمت بدی برای اسلام است. این را مورخان محقق و متفکران می‌دانند، ولی مردم معمولی خارج از اسلام از درک این موضوع غافلند که گسترش اسلام با شمشیر نبوده، بلکه تعالیم حقایق اسلامی بوده که آن را در اقصی نقاط گیتی گسترانده است.

شمشیر می‌تواند بدن مادی را قطعه قطعه کند، ولی به دل‌های انسانی راهی ندارد. از این‌رو، متدینین ابراهیمی تاکنون با دل‌های مردم کار می‌کرده‌اند تا آن را به سعادت و صلح و دوستی رهنمون باشند. در آن روزگار که اسلام طلوع کرد، شمشیر در دست دو امپراتوری ایران و روم بود، نه یک دسته عرب و فقیر ناآشنا به فنون نظامی. علاوه بر این، امروزه کشورهای پر جمعیت اسلامی را می‌بینیم که حتی یک سرباز نیز برای اجبار مردم به پذیرش اسلام، گام به آن نگذاشته است، مثل بیش تر نقاط مسلمان شبه قاره هند و اندونزی و چین. همه می‌دانند که حتی یک شمشیر از طرف اسلام وارد این کشورها نشده است. در بسیاری از نقاط آفریقا و دیگر کشورها نیز این‌گونه است. هم‌چنین، جای تردید نیست که مغول به کشورهای اسلامی تاخت و تاز کرد و بیش تر این کشورها را ویران نمود. با این‌که شمشیر در دست مغول بود، اما پس از مدتی خود مغول نیز به اسلام روی آورد و در ترویج آن تلاش کرد!

بالاتر از همه این‌ها، در طول تاریخ هیچ شمشیری به دل راه نیافته است، در صورتی که دین در دل‌های مردم نفوذ کرده، آنان را به فعالیت‌های تکاملی وادار می‌سازد.

○ کاستاپولوس: با شنیدن توضیحات تاریخی و منطقی شما، می‌پذیرم شمشیر در مورد اسلام، اتهامی بد است. من رحم و عطف و صفای اسلامی را در چهره مقدس و الهی شما می‌بینم. به یقین مسئله پیشرفت اسلام توسط شمشیر، یک جعل تاریخی و تهمت است.

او در این لحظه با ملاطفت دستان محمدتقی جعفری را فشرد و گفت:

از این عنوان در کتاب استفاده نخواهم کرد. این نظر من، بعد از مصاحبه‌های چیلر، نونو و دمیرل درباره انقیاد مجدد اروپا توسط ترکیه در ذهنم ایجاد شده بود و بدین وسیله می‌خواستم آنان را مورد انتقاد قرار دهم. چون برای ترکیه، اسلام به معنای ترکیه است، در صورتی که ما می‌دانیم ترکیه حتی درباره مسلمانان خود (کردها) هم اهمیتی قابل نیست. ترکیه اکنون در دریای مدیترانه، منطقه تحت حاکمیت خود را گسترش

داده، در امور مسلمانان مناطق قبرس و یونان مداخله می‌نماید؛ کاری که ما هم می‌توانیم انجام دهیم، اما دوست نداریم به آن رضایت دهیم. حتی باید اضافه کنم: جنگ ترکیه با عراق در چارچوب حمایت از حقوق بشر نیست، بلکه دستیابی به منطقه نفتی منظور نظر می‌باشد.

● **محب علی (سفیر ایران):** با توجه به مسائل و مشکلاتی که شما درباره ترکیه مطرح می‌کنید، من مایلیم از این فرصت استفاده نموده، یادآوری کنم که دولت یونان، پیش از این موافقت خود را برای تأسیس مسجدی در آتن برای عبادت مسلمانان این شهر که از نظر تعداد چشمگیرند، اعلام نمود و قول‌هایی مکرر در زمینه واگذاری زمین و ایجاد تسهیلات برای کسب مجوز شهرداری و کلیسای ارتدوکس به ما داده شد، ولی هنگامی که موضوع از طرف سفیران مسلمان مقیم آتن به طور جدی دنبال شد، دیدیم حمایتی صورت نمی‌گیرد و می‌گویند: چون عربستان برای اقلیت ارتدوکس مجوز ساخت کلیسا صادر نمی‌کند، از این رو تشکیلات کلیسایی آتن با تأسیس مسجدی در حوزه شهر آتن موافقت ندارد. زمامداران یونان می‌دانند که در کشور ایران، معابد و انواع کلیساهای مسیحی‌ها، محترم و فعال می‌باشند. بنابراین، بر مبنای عدالت، ایران نیز می‌تواند مسجدی در یونان داشته باشد.

○ **کاستاپولوس:** من اکنون در حال مطالعه قرآن مجید هستم. در حقیقت، قضیه تأسیس مسجد در آتن با اصل متقابل قابل تفسیر می‌باشد و نباید آن را به عنوان تعصب و بنیادگرایی ارتدوکس تفسیر نمایم. آقای سفیر! من اکنون در حال مطالعه قرآن مجید هستم و هر چیزی را که در آن وحدت ما خوب باشد، خط‌کشی می‌کنم و از آن یادداشت برمی‌دارم تا بتوانم در آینده در خصوص مشترکات مان کتابی بنویسم. در ضمن، در حافظه کامپیوتر شخصی‌ام حدود سیصد جلد کتاب درباره اسلام ذخیره دارم که اصل آن‌ها را از کتابخانه‌های لبنان و دمشق تهیه نموده‌ام؛ فقط تجربه زندگی کردن در ایران را ندارم. شاید آقای سفیر کمک کنند و مرا به طور رسمی به ایران دعوت نمایند تا بتوانم ضمن ملاقات با بزرگان علوم و مذهب تشیع و مذاکره با آن‌ها، به هدفم نایل شوم.

● **جعفری:** به نظر شما، آیا ما تنوع مکتبی داریم، یا تضاد دینی؟

موضوعات مورد اشاره شما درباره تلاش برای ایجاد وحدت دینی میان شیعه و ارتدوکس قابل تأمل است؛ هر یک از دو مکتب شیعه و ارتدوکس، هویت خاص خود را دارد. اگر این همکاری‌ها ادامه یابند و نتایجی را به بار آورند، بی‌گمان در آینده از طرف کاتولیک‌ها و اهل تسنن نیز حرکت‌های مثبتی برای وحدت صورت خواهد گرفت و به این کاروان خواهند پیوست.

این جانب در یکی از کنفرانس‌ها، مسائلی را برای حل اختلاف مطرح کردم و گفتم: ما فقط تنوع مکتبی داریم، نه تضاد دینی. یک‌بار هم در جمع اهل سنت و تشیع که جلسه بسیار مهمی بود و تعداد بسیاری از عالمان طرفین جمع بودند، از آن‌ها خواستم دو موضوع مورد اختلاف را به بحث بگذارند: ۱- عدل خداوندی ۲- جبر و اختیار، تا بتوانند با دلایل لازم و کافی، یکدیگر را قانع کنند که کدام یک برداشت درستی از این مفاهیم دارند. درباره دیالوگ تشیع و ارتدوکس نیز نظر مشابهی دارم. باید ببینیم چگونه می‌توانیم با توسل به تاریخ، فلسفه و آموزش‌های دیگر، حقایق را بهتر بشناسیم و اختلافات را ریشه‌کن نمایم.

○ **کاستاپولوس:** ما در فلسفه ارتدوکسیسم، در خصوص عدالت خدا مسئله‌ای داریم که این است: چرا مردم خوب، از

زندگی دنیا تنها طعم رنج و مصیبت را می‌چشند و چرا مردم بد همواره از خوشی، لذت، مال و مکتب متنعم هستند؟

● جعفری: تجلی‌گاه عدالت الهی، نظم و قانون است، نه تمایلات و خواسته‌های شخصی بشر.

پاسخ اسلام درباره ناگواری‌ها، شرور جاریه و عدالت خداوندی

مسئله اول - پاسخ اسلام در مسئله ناگواری‌ها و شرور جاریه در میان انسان‌ها و اصل عدالت خداوندی این‌گونه است:

اولاً، لازمه ضرورت فضیلت و تقوای انسان، آن نیست که حتماً باید به بیچارگی‌ها و ناگواری‌ها و شرور مبتلا بوده باشد؛ چنان‌که لازمه ضرورتی انحرافات و پلیدی‌ها آن نیست که همیشه مردمانی که به انحرافات و پلیدی‌ها موصوف هستند، باید مردمانی غوطه‌ور در آسایش و امتیازات باشند.

ثانیاً، ناگواری‌ها و شرور به دو گروه عمده تقسیم می‌شود:

گروه اول مربوط به اختیار است، یعنی: بدبختی‌ها و ناگواری‌هایی که ناشی از خود خطاها و اشتباهاتی است که انسان‌ها مرتکب می‌شوند، مانند غارتگری اموال همدیگر و پایمال نمودن حقوق انسان‌ها که مسئول این ناگواری‌ها، خود مردم و در بیش‌تر موارد، مدیرانی هستند که مدیریت زندگی دسته‌جمعی مردم را به عهده گرفته‌اند و در مجموع ربطی به عدالت خداوندی ندارد. در این مورد، مردم باید برای دفاع از حق خود به طور مستقیم اقدام نمایند، چه به وسیله گردانندگان اجتماعی و چه خودشان.

گروه دوم، پدیده‌هایی که فراتر از اختیار و قدرت انسان‌ها می‌باشند، مانند بلاهای بزرگ طبیعت، زلزله‌ها، آتشفشان‌ها و سیل‌ها.

در این نوع از شرور، آن‌چه وجود دارد، خلاف خواسته‌های انسان‌هاست، نه نظم و قانون؛ و تجلی‌گاه عدالت الهی، نظم و قانون است، نه تمایلات و خواسته‌های ما. حکمت همین ناگواری‌ها نیز در اسلام، آزمایش انسان‌ها در گذرگاه پر معناست که دنیا نامیده می‌شود و هم‌چنین موجب تصفیه و تهذیب نفوس انسانی شده، آماده سعادت ابدی می‌گردد.

تصور کنید هم‌اینک به ما خبر برسد وضعیت همه کرات آسمانی، کهکشان‌ها و کوزارها که در کیهان بزرگ تاکنون با یک وضع معینی در جریان بودند، دگرگون شده است؛ حرکات تغییر پیدا کرده و کهکشان‌ها و کوزارها جابه‌جا شده‌اند و در یک کلام، وضع کیهان عوض شده است. بدیهی است ما با شنیدن این خبر، به شرطی که یک جاندار در این دگرگونی‌ها صدمه نخورده باشد، بدون ناراحتی سراغ رصدخانه‌ها را می‌گیریم تا ببینیم چه وضعیتی پیش آمده و دگرگونی‌های مزبور از چه علل فضایی ناشی می‌شود، و هیچ‌گونه بدبینی نسبت به عدالت خداوندی در خود احساس نمی‌کنیم. در صورتی که اگر یک آجر بیفتد و پای ما زخمی شود، بحث از عدالت خداوندی را شروع می‌کنیم! همه فیلسوف می‌شویم و خدا را این‌گونه مخاطب قرار می‌دهیم که: این چه عدالتی است؟! این معنی، کشف می‌کند که ما در همه موارد، عینک زندگی خود را با معلومات محدود به چشم زده‌ایم. هر حادثه‌ای که برای ما لذت‌بخش باشد، کشف از عدالت خدا می‌کند و هر حادثه‌ای که ناگوار باشد، به عدالت خداوندی خلل وارد می‌کند!!

مسئله دوم - جبر و اختیار می‌باشد که محصول آن عبارت است از: همه وسایل تکوینی از مواد عالم طبیعت

گرفته، تا حواس انسان‌ها و ریشه کلی خواسته‌ها و زور بازو و دیگر عوامل قدرت که از خداست و برخورداری از این‌ها به وسیله عقل سلیم و وجدان و تصمیم و انتخاب که از خود انسان‌هاست. این نظریه در مکتب اهل بیت پیامبر اسلام (شیعه) «امر بین الامرین» نامیده می‌شود.